نگاه

طرح پیروزی برق آسا چه بود؟

■ علیرضا محمدی

پیش‌بینی تصرف سه روزه خوزستان و همچنین رسیدن یک هفته‌ای به تهران، ذیل طرح «پیروزی برق آسا» بود که ارتش بعث عراق ابتدای جنگ تحمیلی آن را دنبال می‌کرد. در تصور صدام، ارتش او می‌توانست به سرعت نیروهای ایرانی را شکست بدهد و ظرف چند روز به اهداف خود برسد.

■ **جنگ شش روزه**

در تاریخ جنگ‌های اعراب و اسرائیل، جنگ شش روزه جایگاه ویژه‌ای دارد. سال ۱۹۶۷ اسرائیل توانست طی شش روز، سه کشور عربی سوریه، مصر و اردن را شکست دهد و بخش‌هایی از خاک این کشورها را اشغال کند. پیروزی سریع و قاطع رژیم صهیونیستی هرچند برای اعراب مایه ذلت بود، اما دیکتاتوری چون صدام فکر می‌کرد اگر او نیز چنین پیروزی را در جبهه مقابل ایران کسب کند، شاید بتواند نامش را در تاریخ اعراب جاودانه کند. این سخن که صدام در پی یک جنگ شش روزه دیگر و این‌بار با توفیق و پیروزی اعراب بود، مورد تأیید دستیاران و مشاوران او نیز است. ژنرال وفیق سامرایی در کتاب خود از اشتیاق صدام به یک پیروزی سریع و شش روزه در برابر ایران سخن گفته بود.

■ **پیروزی برق آسا**

طبق آنچه نهادهای اطلاعاتی عراق از وضعیت نیروهای ایرانی برآورد کرده بودند، ارتش بعث عراق می‌توانست ظرف چند روز به اهداف خود در حمله به ایران برسد. به قول یکی از ژنرال‌های عراقی: «ما حتی نام تیپ‌ها و نیروهای ایرانی را که قرار بود سر راه ما قرار بگیرند می‌دانستیم. بر همین اساس پیش‌بینی کرده بودیم می‌توانیم به سرعت خوزستان را اشغال کنیم و اگر شرایط مساعد بود، به سمت تهران حرکت کنیم.» برخی از مردم بومی اهواز روایت کرده‌اند وقتی در ششمین روز جنگ واحدهای زرهی عراق به حومه اهواز رسیده بودند با تصور اینکه به تهران نزدیک می‌شوند، از روی همان تانک‌هایشان از اهالی می‌پرسیدند «تا تهران چقدر راه است؟!»

■ **اولین قطعنامه**

روز پنجم مهر ۱۳۵۹ مصادف با ششمین روز از شروع تجاوز رسمی عراق به ایران، شورای امنیت به پیشنهاد دو کشور غیر عضو دائم اولین قطعنامه خود در خصوص جنگ عراق با ایران را به تصویب رساند. در این قطعنامه بدون اشاره به طرف متجاوز، از لزوم آتش بس و خویشتنداری طرفین صحبت شده بود. صدام بلافاصله با این قطعنامه و پیشنهاد آتش بس موافقت کرد. گویی شورای امنیت نیز بر خواسته پیروزی برق آسای او صحه گذاشته و درست در ششمین روز جنگ، قطعنامه خود را به تصویب رسانده بود. اما برخلاف خواسته صدام، در این سو امام خمینی به عنوان رهبر عالیقدر جمهوری اسلامی ایران، در سخنانی حمله صدام را به سنگ انداختن دزدی تشبیه و بر لزوم ادامه جنگ با دشمن متجاوز تأکید کردند. در داخل ایران حتی یک جریان عمده سیاسی هم در آن مقطع با این تصمیم مخالفت نکرد، چراکه آتش بس با متجاوز آن هم وقتی نیروهایش در حومه اهواز بودند، هیچ توجیهی نمی‌توانست داشته باشد.

■ **چند روز یا سال؟**

صدام در رؤیای یک پیروزی سریع بود اما او برای رسیدن به این خواسته نه چند روز که باید چند سال صبر می‌کرد و عاقبت نیز با دست‌های خالی و با خاطراتی شکست خورده از یک جنگ هشت ساله، صحنه نبرد با ایرانی‌ها را ترک می‌گفت. جنگ تحمیلی با فراز و نشیب‌های بسیار درست هشت سال بعد از شروع آن در آخرین روزهای سال ۶۷ تمام شد، در حالی که صدام به هیچ کدام از اهداف خود نرسیده بود.

> صدام در رؤیای یک پیروزی سریع بود اما او برای رسیدن به این خواسته نه چند روز که باید چند سال صبر می‌کرد و عاقبت نیز با دست‌های خالی و با خاطراتی شکست خورده از یک جنگ هشت ساله، صحنه نبرد با ایرانی‌ها را ترک می‌گفت

نگاهی به حماسه‌آفرینی‌های خلبان شهید جاویدالاثر «محمدرضا کرم» در اولین روزهای جنگ تحمیلی

منع پزشکی هم نتوانست محمدرضا را از پرواز منصرف کند

■ احمد محمد تبریزی

آخرین روز شهریور ۱۳۵۹ برای مردم ایران با یک اتفاق بزرگ همراه شد. حمله سراسری ارتش بعث عراق به کشور مردم را در شوک بزرگی فرو برد. در زمانی که کمتر از دو سال از وقوع انقلاب اسلامی می‌گذشت، سازماندهی نیروهای نظامی کار سختی به نظر می‌رسید. اما در چنین شرایطی، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، آمادگی خود را نشان داد و نقش مهم و حیاتی‌اش را ایفا کرد. خلبانان ارتش خودشان را به پایگاه‌های نیروی هوایی رساندند و آمادگی‌شان جهت مقابله با تهاجم دشمن را اعلام کردند.

■ **ادای دین به میهن**

صدام از قدرت و مهارت خلبانان ایرانی آگاهی داشت ولی تصورش را نمی‌کرد که آنها خیلی زود برای دفاع از کشورشان بسیج شوند. «محمدرضا کرم» نیز یکی از خلبانانی بود که همراه دیگر نیروها در همان نخستین ساعت‌های شروع جنگ به پایگاه رفت و آمادگی‌اش را به فرماندهان اعلام کرد.

محمدرضا پس از دریافت مدرک دیپلم، به دلیل علاقه زیادی که به خلبانی داشت وارد نیروی هوایی شد و به خاطر استعدادی که در علوم مقدماتی و فنون پرواز داشت برای تکمیل دوره تخصصی به امریکا رفت و پس از گذراندن این دوره به ایران بازگشت. از امریکا که برگشت انقلاب پیروز شده بود.

محمدرضا عاشق خلبانی بود و پرواز را با عمق جانش دوست داشت. در تمرینات نیز جزو خلبانان برتر بود و قدرتش در پرواز بر کسی پوشیده نبود ولی او یک مشکل بزرگ در این راه داشت و آن بیماری معده‌اش بود. گاهی معده دردهایش شدید می‌شد و امانش را می‌برید.

به خاطر بیماری شدید معده پزشک‌ها شهید کرم را از پرواز منع کرده بودند ولی زمانی که خبر تهاجم عراق را شنید به سرعت راهی شد. آن زمان دیگر بیماری و ناراحتی معده برایش مهم نبود و تنها به یک چیز فکر می‌کرد. می‌دانست در شرایط جنگی وضعیت معده‌اش بدتر خواهد شد و تمام دردها را برای یک هدف بزرگ و متعالی به جان خرید.

همسرش وقتی از تصمیم محمدرضا مطلع شد به او گفت: «شما اجازه پرواز نداری و دکتر شما را از پرواز منع کرده است.» اما محمدرضا آماده پریدن بود و در جواب چنین گفت: «نمی‌شود که پرواز نکنم، به خاطر چنین روزهایی من را تربیت کرده‌اند و الان کشور به ما احتیاج دارد. ما به این آب و خاک دین داریم.»

محمدرضا کرم زندگی مشترکش را تازه شروع کرده بود. او سال ۱۳۵۷ زندگی مشترکشان را در پایگاه هوایی بوشهر آغاز کرد و شهریور ۱۳۵۹ تنها فقط یک سال و نیم از این زندگی می‌گذشت. زندگی گرم و شیرینی داشت و دل کندن از این همه شیرینی و حلاوت کار سختی بود. همچنین پسرش علیرضا هم چند ماهه بود و تمام اینها کار محمدرضا را برای رفتن سخت می‌کرد.

همسر نگرانی‌های زیادی از بابت رفتن محمدرضا داشت. می‌ترسید او برود و دیگر نیاید. هزار فکر مختلف در سرش می‌چرخید. بدون محمدرضا زندگی چگونه خواهد شد؟

از اینکه بخواهد فرزندش را به تنهایی بزرگ کند، نگرانی داشت. با وجود تمام نگرانی‌هایش، می‌دانست که شرایط کشور بحرانی و جنگی است و شوهرش باید برای دفاع از کشورش کاری کند.

■ **بی‌خبری از همسر**

پیش از رفتن شهید کرم قول می‌دهد همسرش را بی‌خبر نگذارد. او با این قول، خودش را به پایگاه می‌رساند و پروازهایش را شروع می‌کند تا اینکه پنجم مهر می‌رسد و دیگر هیچ خبری از محمدرضا نمی‌شود.

هیچ تماسی با خانه نمی‌گیرد و خبری از حالش نمی‌دهد. به نظر می‌رسد اتفاقی افتاده باشد.

پس از چند روز بی‌خبری، همسر شهید مشغول تماس با پایگاه بوشهر می‌شود. وضعیت آشفته کشور و شلوغی خط‌ها، امکان برقراری تماس را سخت می‌کند. آن زمان به دلیل محدودیت وسایل ارتباطی به سختی می‌شد با شهرهای دیگر ارتباط برقرار کرد. دلشوره و نگرانی‌های همسر یک طرف، سختی‌های تماس با یک شهر دیگر طرفی دیگر! در پایگاه بوشهر به همسرش گفتند محمدرضا برای مأموریتی به شیراز رفته است اما پیگیری‌ها در شیراز هم نشانی از شوهر خلبانش نمی‌داد.

در شیراز به خانواده شهید می‌گویند محمدرضا کرم به پایگاهی در تهران فرستاده شده ولی او در تهران هم نبود. همسر شهید، خسته و کلافه از این بی‌خبری و پیگیری‌های مداوم، با ناراحتی به فرمانده پایگاه بوشهر می‌گوید چرا هیچ خبری از آقای کرم نیست و دلیل این سرگردانی او چیست؟ به او پاسخ می‌دهند اگر شوهرش در یکی از پایگاه‌ها باشد با او تماس می‌گیرند و اطلاع می‌دهند. فرمانده پایگاه اطلاعات دیگری هم می‌دهد.

شهید کرم در مورد کندی امریکا

> زمانی که آزادگان به کشور بازگشتند، خانواده شهید امید زیادی به آمدن محمدرضا داشتند. وقتی آنها جهت آمدن پیگیری کرده بودند، به آنها گفته بودند محمدرضا کرم خلبان نیروی هوایی در یکی از اتوبوس‌هاست، ولی هنگامی که آزادگان به کشور آمدند هیچ خبری از محمدرضا نبود

او می‌گوید این خلبان روز پنجم مهر چند پرواز داشت و خسارت زیادی به اهداف دشمن بعثی وارد کرد. کرم با منهدم کردن یکی از پل‌های مهم بصره مواضع دشمن را درهم شکست. آخرین پروازش برای ساعت هفت شب بود و پس از آن خلبان کرم دیگر برنگشت و کسی خبری از او نداشت. به همسر شهید گفتند به خاطر همین بی‌خبری مدتی طول دادیم و گفتیم شاید پیاده نظام ایشان را پیدا کند و خبری از سرهنگ کرم به دست بیاید اما تا آن لحظه هیچ کس خبری از خلبان محمدرضا کرم نداشت.

■ **تشابه عجیب مشخصات**

در یکی از همین روزها به خانواده شهید زنگ زدند و گفتند برای تحویل پیکر شهید به شیراز بیایند. خانواده خیلی سریع خودشان را از همدان به شیراز رساندند و در کمال ناباوری و تحیر با موضوعی عجیب مواجه شدند. در میان خلبانان نیروی هوایی با خلبان دیگری به نام محمدرضا کرم مواجه شدند که نام پدر، نام مادر، شماره شناسنامه، تاریخ تولد و حتی روز شهادتشان شبیه به هم بود.

تمام اطلاعات این دو نفر شبیه به هم بود جز یک مورد و آن هم محل تولد بود. شهید محمدرضا کرم متولد خرمشهر بود و شهیدی که تازه پیکرش پیدا شده در شیراز به دنیا آمده بود. مثل اینکه هر دو خلبان در زمان حیات با همدیگر دوستی داشتند و هم را می‌شناختند.

خانواده کرم بدون یافتن اطلاعی از شهیدشان به همدان برمی‌گردند. دوباره همان حرف و حدیث‌های نه چندان موثق شروع می‌شود. گاهی می‌گفتند محمدرضا کرم اسیر شده و گاهی دیگر گفته می‌شد او را روی برانکاردی در خرمشهر دیده‌اند اما نمی‌شد به هیچ کدام از این حرف‌ها اطمینان کرد.

> پسرش علیرضا هنوز یک سالش نشده بود و پدر نتوانسته بود برای فرزندش جشن تولد یک‌سالگی بگیرد. تمام تلاش مادر هم شده بود یافتن نشانی از محمدرضا. برخی می‌گفتند محمدرضا اسیر شده، برخی دیگر از شهادتش می‌گفتند و در آخر هیچ کدام از این حرف‌ها درست نبود

زمانی که آزادگان به کشور بازگشتند، خانواده شهید امید زیادی به آمدن محمدرضا داشتند. وقتی آنها جهت آمدن پیگیری کرده بودند، به آنها گفته بودند محمدرضا کرم خلبان نیروی هوایی در یکی از اتوبوس‌هاست، ولی هنگامی که آزادگان به کشور آمدند هیچ خبری از محمدرضا نبود. برخی می‌گفتند محمدرضا اسیر شده، برخی دیگر از شهادتش می‌گفتند و در آخر هیچ کدام از این حرف‌ها درست نبود.

■ **اعلام قطعی شهادت**

این بی‌خبری و انتظار سخت‌ترین کار برای خانواده شهید کرم بود. آنها چندین سال چشم به در دوختند تا خبری از شهیدشان بیاید ولی هیچ خبری نیامد که نیامد. خدا می‌داند آنها در آن روزهای طولانی انتظار کشیدن چه کشیدند. همسر شهید روزی صد مرتبه می‌مرد و زنده می‌شد تا بلکه خبری از عزیزش پیدا کند. تا قبل از اعلام قطعی شهادت، او همچنان امیدوار به بازگشت شوهرش بود.

در نهایت پس از ۱۵ سال شهادت قطعی محمدرضا کرم را اعلام کردند. شواهد اینطور نشان می‌داد که دشمن هواپیمای شهید کرم را هنگام بازگشت در میان رگبارهای پدافند عراقی مورد اصابت قرار می‌دهد و شهید کرم مجبور می‌شود از هواپیما بیرون بپرد. طبق شواهد او ابتدا اسیر می‌شود.

مادر شهید در این باره می‌گوید: «خیلی‌ها به ما گفتند محمدرضا اسیر شده است. آقای بکلری و خسروی هم او را در اردوگاه دیده بودند و به من گفتند هنگام اسارت پایش هم شکسته بود. اما او هیچ وقت نیامد و بعد از کلی دوندگی به ما گفتند محمدرضا جاویدالاثر است و او را شهید محسوب کنید. به ما گفتند اتوبوسی که محمدرضا در آن بوده به لب مرز می‌آید، گویا یکی از اسرا هنگام پایین آمدن خاک ایران را می‌بوسد و به صدام ناسزا می‌گوید. بعثی‌ها هم اسرا را برگردانده و بعد از آن خبری از هیچ کدام از آن عزیزان نمی‌شود.»

شهید کرم با وجود خطری که پرواز برای سلامتی‌اش داشت، خود را موظف به دفاع از کشور دانست و در نخستین روزهای جنگ، تمام سختی‌ها را به جان خرید و صحنه را خالی نکرد. امسال ۴۱ سال از شهادت و جاویدالاثری محمدرضا کرم می‌گذرد و خانواده شهید امیدوارند تا خبری مبنی بر تفحص یا پیدا شدن پیکر شهید شود. شهید محمدرضا کرم با شجاعت تمام با دشمن بعثی جنگید و در نهایت مظلومیت به شهادت رسید. اگرچه پیکر شهید همچنان مفقود است ولی نام این خلبان شجاع در ذهن مردم ایران پررنگ می‌درخشد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۸۹

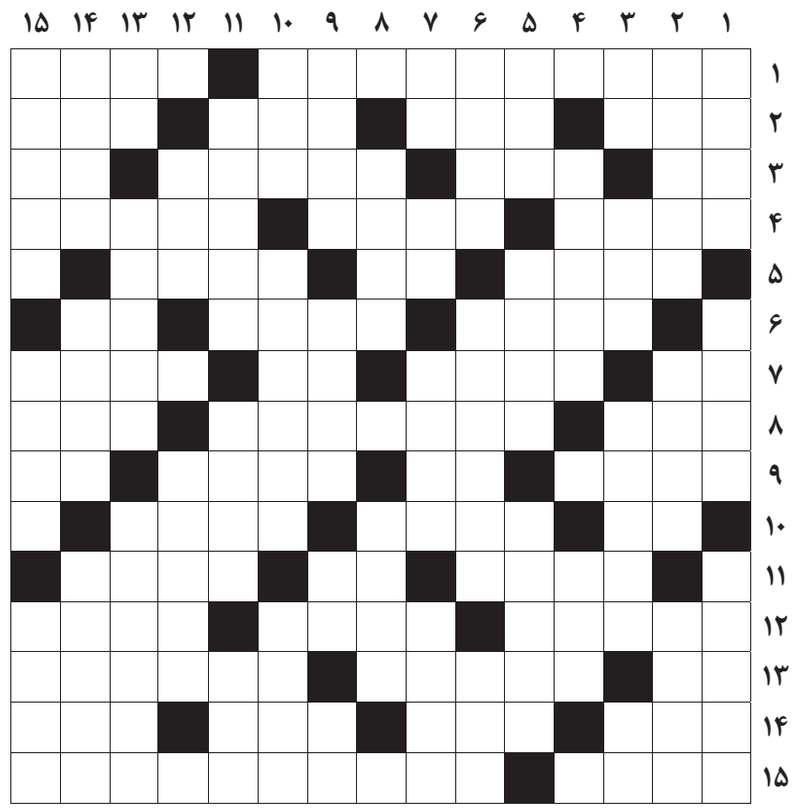

از راست به چپ

■ ۱- کتابی از امام خمینی(ره)- دفتر حساب ■ ۲- قصرنشین- کلام خودخواه- گول خوردن در معامله- دختر انگلیسی ■ ۳- حشره جهنده- مادر وطن- از نعمت‌های پنهان خدادادی- حرف انتخاب ■ ۴- قفل چوبی- از بخش‌های اوستا- آنچه از دست رفته ■ ۵- واحد طول موج- صورت- پرتابه ورزشی ■ ۶- انگشت کوچک- تیمی در فوتبال فرانسه- از اقمار مشتری ■ ۷- میوه خوب- وسیله نواختن ویولن- لخت- استخوان جمجمه ■ ۸- سخن زیرلب- نام پرچم ایران در عهد باستان- علامت فعل استمراری ■ ۹- موجودیت- پوستین وارونه- جایز شرعی- پرنده نماد وفاداری ■ ۱۰- آفت گندم- شهری در آذربایجان شرقی- خداحافظی ■ ۱۱- نوعی موشک- از بت‌های جاهلی- آواز کبوتر ■ ۱۲- سوره ۸۱- نان سوغاتی همدان- پایدار، بادوام ■ ۱۳- حرف فقدان- فقیر- جوشن- نور اندک ■ ۱۴- گنجایش- نوعی پرنده- دریاچه خرم‌آباد- زمستان ■ ۱۵- موش خرما- مکانی مقدس در کربلا

از بالا به پایین

■ ۱- کاسه زانو- چرم پرزدار مخملی- با تبحر ■ ۲- شکل و هیئت- قطب قالیبافی آذربایجان- دختر مازنی ■ ۳- پاروی قایقرانی- استخوان زانو- آش هفت دانه- فلز سرخ ■ ۴- چوبدستی قلندران- شک ■ ۵- گل تاجریزی- گیاهی علفی شبیه خاکشیر از تیرهٔ چلیپاییان- نام مترلینگ، برنده نوبل ادبیات در سال ۱۹۱۱ میلادی ■ ۶- بیماری کمخونی- دهقان- دندان نیش ■ ۷- کشنده بی‌صدا- چاشنی غذا- خوش‌اندام- کتاب ساراماگو، نوبل برده پرتغالی ■ ۸- اشاره به جایی دور- نویسنده سه‌تفنگدار ■ ۹- بیهوشی- پاره سنگ ترازو- داد بی پایان- ویتامین جدولی ■ ۱۰- خاخام- میوه معطر- عظیم و بسیار ■ ۱۱- بازیکن برزیلی پاری‌سن‌ژرمن- قوه حافظه- فیلم هیچکاک ■ ۱۲- تیره- پیشامد ■ ۱۳- نگهبان گله- ریسمان سوزان چراغ- ننگ و عار- بوییدن ■ ۱۴- کافه فرنگی- همداستان عذرا- درستی، صداقت ■ ۱۵- فنی در کشتی؛ مزرعه کوچک- عنصر فلزی نقره‌ای رنگ- قدرت و نیرو

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۴	۷			۹	۸		
					۱			
		۳				۶		
	۷		۳	۲				۴
۸	۲							
				۴	۵			۲
	۹		۲				۶	
۵			۹				۱	
۴	۸						۳	

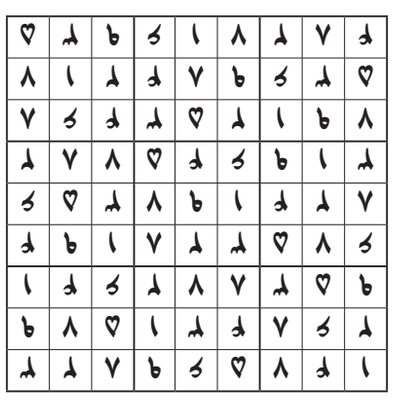

جدول کلمات متقاطع
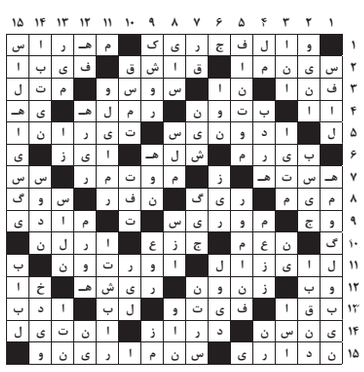
پاسخ جدول شماره ۶۵۸۸